

فلسفه قربانی کردن در عید قربان چیست و آیا قربانی کردن تنها در حج اتفاق می افتد؟

آیا قربانی کردن در عید سعید قربان تنها برای یادآوری یک رویداد تاریخی است؟

روز دهم ذی‌الحجه عید قربان یا عیدالاضحی^۱ نام دارد، که یکی از بزرگترین اعیاد در تقویم مسلمانان است و روزه گرفتن در این روز حرام است. روزی که حضرت ابراهیم(علیه‌السلام) به دستور خدا حضرت اسماعیل(علیه‌السلام) را به قربان‌گاه برد و فلسفه قربانی کردن در راه خدا را در آزمونی عملی اجرا کرد.^۲ حضرت ابراهیم(علیه‌السلام) از آخرین تعلقات خود در راه خدا چشم‌پوشی کرد و خداوند هم با فرستادن قوچی قربانی او را پذیرفت.^۳ این رویداد هنوز هم به صورت نمادین در مراسم حج اجرا می‌شود، حجاج در این روز گوسفندی را قربانی کرده و گوشت آن را میان نیازمندان تقسیم می‌کنند.^۴

اما فلسفه قربانی کردن چیست؟ چرا حجاج خانه خدا به عنوان یک منسک دینی در پایان حج خود قربانی می‌کنند؟ آیا تمام کردن حج با قربانی تنها به دلیل هم‌زمان شدن با عید قربان است، یا معنا و فلسفه دیگری پشت این کار نهفته است؟ عید قربان عید رهایی از تعلقات و سرسپردگی و پناه بردن به درگاه خداوند بزرگ است. حجاج پس از وقوف در مشعر که محل شناخت و شعور است در منا که سرزمین آرزوهاست، توقف می‌کنند و پس از آن رسیدن به عشق فرامی‌رسد. اما رسیدن به عشق بدون قربانی ممکن نیست. فلسفه قربانی کردن پس از حضور در عرفات آماده شدن برای ورود به وادی عشق است. در این روز زائر بیت الله الحرام اسماعیل وجودش یعنی هر چیزی که به آن دلبستگی دارد را قربانی می‌کند، تا سبک‌بال شود.

^۱ اضحی جمع ماده ضحی به معنی ارتفاع روز و امتداد نور آفتاب است و هنگامی که خورشید بالا می‌آید

^۲ ضیاء‌آبادی، حج برنامه تکامل، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۸۵

^۳ سوره صافات، آیه ۱۰۴ و ۱۰۵

^۴ امام خمینی، مناسک حج، نشر امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰ش، ص ۲۰۷

فلسفه قربانی کردن به عنوان راهی برای رسیدن به هدف خلقت

برای این که به درک درستی از حکمت و فلسفه قربانی کردن در عید قربان برسیم، ابتدا باید هدف خلقت انسان را بشناسیم. خداوند حقیقت و اصل انسان را از وجود خود آفریده^۵ و بالاترین نعمت را که همان نعمت انسانیت است، در وجود انسان قرار داد. این نعمت همان بخش انسانی وجود ماست که باعث ایجاد تفاوت بین انسان و سایر مخلوقات خداوند است. بخش انسانی وجود ما همان گوهری است که همه ما حضور آن را در قلب خود احساس می‌کنیم.

دمیده شدن روح الهی در وجود انسان ما را به موجوداتی بی‌نهایت و نامحدود تبدیل کرده است که ظرفیت به دست آوردن تمام خوبی‌ها را داریم، فقط باید این ظرفیت بالقوه را در وجود خود فعال کنیم. در این مسیر که مسیر رشد انسانی ماست، خداوند ما را تنها نگذاشته و راهنمایی برایمان در نظر گرفته است، راهنمایی که همان متخصصان معصوم یا پیامبران و امامان هستند، تا ما بتوانیم با تبعیت از معصوم (علیه‌السلام) به مقام ایشان که همان مقام ویژه انسانی است برسیم.

این مقام در صورتی به دست می‌آید که ما به حیات انسانی خود و هدف خلقت پی برده باشیم. رسیدن به چنین مقامی نعمتی عظیم است که خداوند نصیب همه انسان‌ها کرده، اما اکثر انسان‌ها به دلیل عدم آشنایی با بخش انسانی خود به آن باور و اعتقاد ندارند. چنین افرادی خود را در حد شئون گیاهی، جمادی، حیوانی و عقلی می‌بینند و نمی‌توانند حیات انسانی خود را فعال کنند.

تأملی بر فلسفه قربانی کردن

یکی از ویژگی‌های خاص عید قربان تعیین شاخصی به نام انسانیت از جانب خداوند متعال است. این شاخص بر رابطه‌ای بسیار عاشقانه بین خداوند متعال و انسان بنا شده است که در ادامه ویژگی‌های خاص آن را بررسی خواهیم کرد:

^۵سوره ص، آیه ۷۲

شاخصه عشق حقیقی

رابطه عاشقانه‌ای که بین خداوند متعال و انسان وجود دارد، بسیار بالاتر از عشق‌های زمینی است؛ به عبارتی عشق حیوانی و جنسی که انسان در زندگی دنیایی تجربه می‌کند (عشق مادر و فرزند، عشق به جنس مخالف) مجاز و الگویی برای عشق حقیقی است. بسیاری از بزرگان و شاعران از جمله حافظ، سعدی و مولانا نیز در اشعار خود به عشق مجازی زمینی برای رسیدن به عشق حقیقی اشاره کرده‌اند. در بیاناتی که از معصومین (علیهم‌السلام) به ما رسیده هم بخش زیادی از عبارات را واژگان صمیمی و عاشقانه پر کرده است؛ مانند این عبارت زیبا از امام سجاد (علیه‌السلام): «إِلَهِي عُبَيْدُكَ بِفِنَائِكَ، مِسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ، فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ»⁶

در واقع می‌توان گفت که عشق‌های زمینی مقدمه‌ای برای شناخت آن عشق حقیقی هستند و اگر در مسیر رشد بخش انسانی وجودمان پیش برویم آرام آرام در مسیر عشق حقیقی رشد خواهیم کرد.

علامت و شاخصه یک عشق حقیقی و صادق هزینه کردن و وقف شدن برای معشوق است. نماد چنین عشق صادقی را در روز عید قربان و در ماجرای قربانی شدن پسر دردانه و عزیز توسط پدری عاشق و دلداده می‌بینیم. فلسفه قربانی کردن حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) این است که ابراهیم خلیل الله (علیه‌السلام) به هیچ بودن همه چیزهای دیگر در برابر معبود و معشوق حقیقی اعتراف می‌کند، غیر از خدا هر چه که دارد را فدای خدا می‌کند، در نتیجه در وجود او ایمان و عمل به هم گره می‌خورند و او به حقیقت تقوا و تسلیم می‌رسد. چنین عشقی زمانی به دست می‌آید که انسان بتواند از هر چه غیر از خدا دارد، برای خداوند بگذرد.

قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ترجمه عابدینی مطلق، نشر جمال، قم، ۱۳۸۲، چاپ اول، جلد دوم، ص ۲۵⁶

معشوق و اله حقیقی

در عشق حقیقی انسان باید خود را وقف در معشوق ببیند و ذات خود را فدای معشوق کند؛ زیرا عشق بدون گذشت ثابت نمی‌شود و عاشق بدون فدا شدن احساس گندیدن و ضایع شدن می‌کند؛ یعنی محبوب و معشوق چنان تسلطی بر قلب ما پیدا می‌کند، که دوست داریم تمام دارایی‌های خود را به پای معشوق بریزیم.

داستان عید قربان یادآور معشوق اصلی و حقیقی انسان است. اگر خود را به درستی بشناسیم و اگر معشوق حقیقی انسان را شناخته باشیم خواهیم فهمید که محبوب و معشوق انسان همان اله و خداوند تبارک و تعالی است که سرچشمه تمام دلدادگی‌ها، محبت‌ها، شادی‌ها و آرامش حقیقی است. عجیب نیست که برای چنین معشوقی با تمام دارایی‌ها قربانی شویم.

بررسی فلسفه قربانی کردن

حالا که خود حقیقی انسان را تا اندازه‌ای شناختیم، فلسفه قربانی کردن را بهتر درک خواهیم کرد. دارایی حقیقی انسان تنها همین وجود انسانی است. وجود انسانی یا من حقیقی تنها چیزی است که برای ما باقی می‌ماند، فانی نیست و از بین نمی‌رود؛ زیرا از جنس خداوند بی‌نهایت و نامحدود است.

هر آنچه که ما در مسیر رسیدن به عشق خداوند قربانی می‌کنیم از جنس ناخود ماست: شغل، جنسیت، دارایی‌های فردی مانند زیبایی و هوش، ثروت، خانواده و ... تمامی این‌ها از جنس اعتباریات این دنیا هستند و پس از ترک این دنیا خواه ناخواه آن‌ها را از دست خواهیم داد. به علاوه فلسفه قربانی کردن به معنای نادیده گرفتن، از دست دادن یا استفاده نکردن نیست؛ بلکه به معنای وابسته نبودن است. یعنی ما در عین حال که به تمام این موارد مشغولیم و در حال استفاده و لذت بردن از آن‌ها هستیم، به هیچ یک از آنها وابسته نباشیم و آرامش زندگی مان را به بود و نبود این اعتباریات گره نزنیم؛ بلکه حقیقت شادی و آرامش وجودمان را در جایی دیگر و در کنار معشوقی که فنا و تغییر در او راه ندارد جستجو کنیم.

در نتیجه آنچه گفتیم عید قربان به مسلخ بردن شهوت‌های نفسانی است و فلسفه قربانی کردن این است که باید این شهوت‌ها را به قربانگاه ببریم و در پیشگاه محبوب و معشوق خود قربانی کنیم. پس فلسفه قربانی کردن حیوان نمادی از قربانی کردن حیوانیت انسان است، که به ما یادآور می‌شود، برای رسیدن به کمال انسانیت و رشد کردن، باید نفس حیوانی خود را در پیش‌گاه عشق حقیقی ذبح کنیم.